

## فریب و رنگ برآمیزی از منظر هویت‌پوشی و دگرچهری در شاهنامه فردوسی و ادیسه هومر (با تأکید بر شاهنامه محفوظ در بنیاد کورکیان نیویورک)

### چکیده

دو حماسه بزرگ ادبیات جهان یعنی شاهنامه و ادیسه دارای وجوه افتراق و اشتراکات بسیاری است. یکی از مباحث قابل توجه در این آثار مقوله «نیرنگ و رنگ برآمیزی» است. نیرنگ و رنگ برآمیزی یکی از مقوله‌های است که در فرهنگ‌های مختلف جهان وجود داشته و دارد و در داستان‌های این آثار بارها به شکل‌های گوناگون تجلی پیدا کرده و دستمایه نوشتن داستان‌ها شده است. یکی از موارد نیرنگ و رنگ برآمیزی، هویت‌پوشی و دگرچهری است که بسیار زیاد در این آثار مشهود است. پژوهش حاضر به روش تطبیقی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که فریب و رنگ برآمیزی از این منظر در شاهنامه از طریق تغییر لباس و چهره، ناشناس شدن، انکار هویت، نقش بازی کردن، پنهان کردن نام، هویت‌پوشی صورت گرفته و در ادیسه این امر، از طریق تغییر لباس و چهره، ناشناس شدن، نقش بازی کردن و هویت پرده پوشی که توسط خدایان صورت می‌گیرد. هر چند شباهت‌های ساختاری این نوع خیلی کم در هر دو اثر دیده می‌شود اما از لحاظ نوع بهره‌بری تفاوت‌های زیادی دیده می‌شود. نیرنگ و فریب از این منظر در این دو منظومه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد.

### اهداف پژوهش:

- ۱- بررسی و تحلیل فریب و رنگ‌برآمیزی از منظر دگرچهری و هویت‌پوشی بدون توجه به تفاوت دوره تاریخی، محیط جغرافیایی، ساختار فرهنگی و تاریخی ایران و یونان.
- ۲- تطبیق و قیاس، تشابهات و افتراق فریب و رنگ‌برآمیزی از منظر دگرچهری و هویت‌پوشی.

### سوالات پژوهش:

- ۱- انواع فریب و رنگ‌برآمیزی‌ها از منظر دگرچهری و هویت‌پوشی در شاهنامه و ادیسه کدامند؟ چگونه به کارگیری و دلایل استفاده از آنها چیست؟
- ۲- وجه تشابه و افتراق این نوع فریب و رنگ‌برآمیزی در شاهنامه و ادیسه چیست؟

کلیدواژه‌ها: نیرنگ، رنگ برآمیزی، حماسی، شاهنامه، ادیسه.

## مقدمه

هنر و حماسه ایرانی و یونانی از فرهنگ این دو کشور تأثیر پذیرفته است و برخاسته از اساطیر، ادبیات، دین و آیین-های باستانی است؛ بنابراین، ماهیت نمادین گرفته شده خود از متون ادبی و حماسی، همچون ادیسه هومر و شاهنامه فردوسی را حفظ می‌کند. شاهنامه و ادیسه، مجموعه تجارب تاریخی ایرانیان و یونانیان در اداره صحیح اجتماع و تأمین آسایش مردم و توجه به اخلاق آنان است. آثار کهن، بیانگر رخدادهای پهلوانی و اعمال دلاوری قهرمانانی است که در راه تحقق اهداف ملی و حمایت از کیان خود با دشمنان مبارزه می‌کنند. هرچند که عرصه بروز و ظهورشان متفاوت به نظر می‌آید و این تفاوت در رشد و بالندگی گاه موجب پیدایی تضادهایی در آن آثار شده است. فریب و رنگ برآمیزی در شاهنامه و ادیسه، بیانگر این مطلب است که انسان‌ها در سراسر زمان‌های گذشته، با فرهنگ‌های مختلف، سیرت و ذات یکسانی داشته‌اند و همواره در مواجهه با مشکلات و سختی‌ها و برای رسیدن به مرادها و آرزوهای محالشان از نیروهای ماورای طبیعی کمک گرفته و به آنچه که می‌خواستند، دست یافته‌اند. نیرنگ از پدیده‌هایی است که در سر تا سر شاهنامه به چشم می‌خورد و با وجود نکوهش همیشگی همه‌گونه رفتارهای ناصادقانه و نیز به رغم ستایش همیشگی صداقت، راستی و درستی در این کتاب، دروغ و فریب از جمله جنگ افزارهای آشنای قهرمانان و ضد قهرمانان شاهنامه است.

شاهنامه و ادیسه در ادبیات حماسی جهان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند و علاوه بر نشان دادن فرهنگ تاریخی و قومی و همچنین ریخت‌شناسی مفاهیم و واژه‌های در رابطه با فریب و رنگ برآمیزی، درباره فرهنگ عصر این دو شاعر نیز اطلاعاتی را به دست می‌دهد و تطابق آنها به واسطه حماسی بودن بسیار مورد توجه پژوهندگان قرار گرفته است. اما نکته حائز اهمیت این است که تاکنون در مورد نیرنگ و رنگ برآمیزی‌های به کار رفته از منظر هویت پوشی و دگرچهری پژوهش و بررسی انجام نگرفته است. مقاله‌های فراوانی با موضوع تطابق شاهنامه و ادیسه در زمینه‌های مختلف نوشته شده است که نمونه‌های آن به شرح زیر می‌باشد. ممتحن (۱۳۸۸) در مقاله «نگاهی تطبیقی به شاهنامه فردوسی و ایلیداد و ادیسه هومر» (عنوان عربی: الأمثال القرآنیة و تجلیات‌ها فی دیوان فیض کاشانی)، ابراهیمیان و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «مقام و چهره زنان در شاهنامه و ایلیداد»، محمودی لاریجانی و امیری (۱۳۹۳) «بررسی تطبیقی کاربرد صفت‌های هنری در ایلیداد و ادیسه هومر و شاهنامه فردوسی»، پشت‌دار علی و غلامپور دهکی (۱۳۹۵) در «مقاله بررسی تطبیقی کارکردهای پیشگویی در حماسه‌های بزرگ جهان (شاهنامه، ایلیداد، ادیسه)»، جزو پیشینه موضوع هستند که با بررسی مقالات ارائه شده می‌توان دریافت که تا کنون در زمینه نیرنگ و فریب و رنگ برآمیزی از منظر هویت پوشی و دگرچهری تاکنون مقاله‌ای نوشته نشده است و به این موضوع پرداخته نشده است. با این تفاسیر پژوهش حاضر بر آن است تا به روش تحلیلی و تطبیقی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به بررسی این موضوع بپردازد.

## نتیجه‌گیری

فردوسی و هومر با اینکه از لحاظ دوره زمانی و محیط جغرافیایی با همدیگر هیچ تجانسی ندارند ولی هر دو به زیبایی و شیوایی این تکنیک نیرنگ و رنگ برآمیزی هویت‌پوشی و دگرچهری را در داستان‌های خود استفاده کرده‌اند و به زیبایی روایت‌های خود صد چندان افزوده‌اند. همانندی استفاده از این تکنیک برای پیش بردن داستان‌ها نشان‌دهنده این است که بشر همیشه برای پیروز شدن و خوشحال بودن در صورتی که جبر زمانه هم به او تحمیل کند از نیرنگ و رنگ برآمیزی برای رسیدن به هدفش استفاده می‌کند حتی اگر آن امر را نکوهیده و سرزنش‌آمیز بداند باز هم برای رسیدن به مقصود خود از آن سود می‌برد و وقعی به اخلاقیات نمی‌نهد؛ خواه قهرمانی راست گفتار و کردار باشد و خواه جادوگری زشت و بد طینت. با بررسی نه جلد شاهنامه این نتایج یافت شد که این نیرنگ در جلد‌های چهارم و هشتم اصلاً مورد استفاده شاعر قرار نگرفته و در دیگر جلد‌ها با تغییر لباس و چهره، ناشناس شدن، انکار هویت، نقش بازی کردن، پنهان کردن نام، هویت‌پوشی صورت گرفته و در هر سه بخش اسطوره‌ای، حماسی و تاریخی با انگیزه‌های شخصی، انسانی و حماسی توسط قهرمان یا ضد قهرمان داستان‌ها طراحی و اجرا شده است و اجرای آن در زمان عجز و درماندگی که دیگر راه حلی برای آنها نمانده انجام گرفته که در مواقعی باعث صدمه و ضرر شده و در مواقعی صدمه و ضرری به همراه نداشته است و نتایج حاصله از بررسی و مطالعه ادیسه این که؛ فریب و نیرنگ در سرودهای یازدهم، دوازدهم، چهاردهم، پانزدهم، اصلاً مورد استفاده هومر قرار نگرفته و در مابقی سرودها از طریق تغییر لباس و چهره، ناشناس شدن، نقش بازی کردن و هویت‌پوشی بوده که توسط خدایان با انگیزه‌های کمک و همیاری به قصد نجات و خیرخواهی و چاره‌جویی، گره‌ها و مشکلات قهرمانان حل می‌شود و به‌طور کلی بار معنایی مثبت برای قهرمان در بردارد. هر چند در شباهت‌هایی که به آن شد شباهت تغییر لباس و چهره بیشترین تشابه را در این آثار به خود اختصاص داد ولی در تفاوت‌ها تقریباً می‌توان گفت یکسان بوده‌اند و هر دو از لحاظ ساختار استفاده کردن و بهره‌وری یکسان عمل کرده‌اند بزرگترین افتراق و تفاوت این دو اثر را می‌توان در استفاده از شخصیت‌ها جستجو کرد. در شاهنامه انسان‌ها و آدم‌های داستان‌ها با تفکر به طرح و اجرای این نیرنگ و فریب دست می‌یازند ولی در ادیسه همیشه خدایان مجری نیرنگ و رنگ برآمیزی بودند و برای قهرمانان دلسوزی و چاره‌اندیشی می‌کردند و مواردی که فقط در شاهنامه وجود داشت و اصلاً از این تکنیک‌ها در ادیسه استفاده نشده بود می‌توان به مورد پنهان کردن نام و خود را کسی دیگر معرفی کردن و انکار هویت اشاره نمود.

## فهرست منابع:

اجاکه، علی اکبر؛ شمیسا، سیروس و مدرس‌زاده، عبدالرضا. (۱۳۹۸). «مضامین نمادین شاهنامه در آثار هنری

مازندران». هنر اسلامی، ۱۵(۳۴)، ۱-۲۸. doi: 10.22034/ias.10.22034/2019.93925

بهار، فاطمه؛ شکری، یدالله. (۱۳۹۸). «استعاره و گفت‌وگومندی در رجزهای شاهنامه بر اساس نظریه باختین».

جستارهای زبانی. ۱۳۹۸؛ ۱۰ (۲)، ۲۹۴-۲۷۱.

- حسن‌زاده میرعلی، عبدالله؛ قنبری عبدالملکی، رضا. (۱۳۹۱). «تحلیل ریخت‌شناسی روایت اسطوره‌ای «کتیبه» بر اساس نظریهٔ ولادیمیر پراپ». جستارهای زبانی؛ ۳ (۳)، ۱۰۰-۸۱.
- حق‌پرست، لایلا. (۱۳۹۱). «شیوه‌های تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در داستان بهمن از شاهنامه و بهمن‌نامه (بر اساس مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی در تحلیل گفتمان)». جستارهای زبانی. ۱۳۹۱؛ ۳ (۲): ۲۷-۱.
- خسروی شکیب، محمد؛ عزیز محمدی، فاطمه و قبادی حسینعلی. (۱۳۹۱). «بنیامتنیت دو متن؛ نقد تطبیقی داستان «فریدون» در شاهنامه و «شاه لیر» شکسپیر». جستارهای زبانی؛ ۳ (۲): ۲۲-۱.
- دبیر سیاقی، محمد. (۱۳۶۵). فردوسی زن و تراژدی، مقالات از عبدالحسین زرین‌کوب، اسلامی ندوشن، نصرالله فلسفی، دبیرسیاقی، مهین تجدد، رضا براهنی، به کوشش ناصر حریری، تهران: چاپ بابل.
- رمزجو، حسین. (۱۳۸۱). قلمرو ادبیات حماسی ایران، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی..
- رفاهی، سمانه. (۱۴۰۰). «مقایسهٔ تحمیدی شاهنامه و گرشاسب‌نامه بر مبنای فرانش انیشتگانی دستور نظام‌مند - نقش‌گرای هلیدی». جستارهای زبانی؛ ۱۲ (۲): ۴۸۰-۴۴۹.
- سرامی، قدمعلی. (۱۳۹۲). از رنگ گل تا رنج خار شکل‌شناسی داستان‌های شاهنامه، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- طاهری، محمد؛ آقاجانی، حمید. (۱۳۹۲). «تبیین کهن‌الگوی سفر قهرمان براساس آرای یونگ و کمبل در هفت خوان رستم»، فصلنامهٔ ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی. س ۹. ش ۳۲، ۴۵-۳۵.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). شاهنامه، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ اول، تهران: نشر قطره.
- غلامپور دهکی، سکینه؛ رضایی، احرام. (۱۳۸۰). «بررسی و تحلیل سبک فکری و محتوایی سه آیین شاهنامهٔ هومر». مجلهٔ تاریخ ادبیات شماره ۸۰/۳.
- غنچه‌ای، علیرضا و دیگران. (۱۳۹۹). «بررسی سبک‌های مدیریتی در شاهنامه شاه طهماسبی بر پایه نگرش‌های اساطیری، حماسی و تاریخی». هنر اسلامی، ۱۷(۳۹)، ۲۶۴-۲۸۷. doi: 10.22034/ias.1426/10.254546.2020
- قبول، احسان. (۱۳۸۸). «شخصیت‌شناسی شغاد در شاهنامه»، مجله جستارهای ادبی، شماره ۱۶۴، صص ۶۵-۸۱.
- کلینتون، جروم. و (۱۳۸۵)، «مکر و نیرنگ در شاهنامه، ترجمهٔ عباس امام»، نامهٔ انجمن، شمارهٔ ۲۳، صص ۱۷۲ - ۱۵۵.
- لک، ایران؛ تمیم داری، احمد. (۱۳۹۵). «مطالعهٔ تطبیقی کهن‌الگوی «سفر» و «بازگشت» قهرمان در شاهنامه و ادیسه»، ادبیات تطبیقی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، شماره ۱۳، صص ۱۸۴-۱۶۱.
- مجیدی کرائی، نورمحمد. (۱۳۸۷). ابر زنان ایران، تهران: انتشارات آرون.

مره‌یی، منصور؛ جدیدالاسلامی، حبیب و رومیانی، بهروز. (۱۳۹۸). «تصویرسازی و تصویرآرایی فریب‌کاری در شاهنامه فردوسی و کلیله دمنه نصرالله منشی (مغول و تیموری)». هنر اسلامی، ۱۵(۳۵)، ۳۴۷-۳۶۷. doi: ۲۰۱۹.۱۰.۱۸۹۱/ias.۱۰.۲۲۰۳۴

مهدی‌پور، محمد. (۱۳۹۴). «رنگ و نیرنگ در حماسه ملی ایران، دو فصلنامه ادبیات حماسی، دانشگاه لرستان، شماره ۱، صص ۱۵۶-۱۲۷.

نیساری تبریزی، رقیه. (۱۳۸۴). «همسانی‌ها و ناهمسانی‌ها در شاهنامه فردوسی و ایلیداد و ادیسه هومر، مجله ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی. شماره ۳، صص ۱۳۳-۱۱۷.

هومر. (۱۳۸۵). اودیسه، ترجمه سعید نفیسی، چاپ اول، تهران: انتشارات بهزاد.

یزدانی، زینب. (۱۳۷۸). زن در شعر فارسی، تهران: انتشارات فردوس.